

پلیسی برای حل معماهای پر رمز و راز

کارآگاه لینلی پرونده‌های جنایی را به روش هلمز و پوآرو حل می‌کند...



کارآگاه لینلی پرونده‌های جنایی را به روش هلمز و پوآرو حل می‌کند

پلیسی برای حل معماهای پر رمز و راز

جام جم آنلاین: شبکه‌های تلویزیونی همیشه میزبان مجموعه‌های پلیسی پر رمز و راز و جنایتکارانه‌ای بوده‌اند که قصه‌های خود را به زبانی درام تعریف می‌کنند. برای تماشاگران تلویزیونی در سراسر جهان تماشای آن دسته از قصه‌های پلیسی که با رمز و راز و تعلیق همراه است، جذابیت‌های بسیار زیادی داشته است.

در حقیقت، رمز و راز موجود در این قصه‌ها باعث کشش فراوان تماشاگران به این نوع مجموعه‌های پلیسی شده و آنها می‌خواهند ببینند شخصیت‌های اصلی و پلیس ماجرا (و در اصل سازندگان این مجموعه‌ها) چه پاسخی به این رمز و راز و کارهای مرموزی که اتفاق افتاده است، می‌دهند و در پایان کار، آنها با چه چیزی - و چه نوع هیجانی - روبه‌رو خواهند شد. علت اصلی ماندگاری، کلاسیک شدن شخصیت‌هایی مثل پوآرو و شرلوك هلمز را هم باید در همین راستا ارزیابی کرد. آنها ماموران پلیس سختکوشی بوده‌اند که به جای بازی با اسلحه و بهره‌گیری از اکشن‌های گوناگون، در هاله‌ای از ابهام و رمز و راز، يك موش و گربه بازی درخشان با بقیه شخصیت‌های قصه (که البته منظور شخصیت‌های منفی است) به راه‌انداخته و باعث لذت بیشتر بیننده شده‌اند.

مجموعه انگلیسی‌زبان کارآگاه لینلی (با نام کامل رمز و رازهای کارآگاه لینلی) که از شبکه 4 سیما در حال پخش است هم با بهره‌گیری از حال و هوایی پر رمز و راز سعی می‌کند قصه‌های جنایتکارانه خود را بازگو کند و اگر چه نتوانسته شهرتی همپای «#171;پوآرو» یا «#171;شرلوك هلمز» کسب کند ولی با بهره‌گیری از استقبال خوب تماشاگران تا 7 فصل به حیات خود ادامه داده است.

حل معما مانند يك پازل

کارآگاه لینلی اولین بار سال 2001 به روی آنتن رفت و نقدهای مثبت منتقدان و استقبال تماشاگران انگلیسی از آن، کمک کرد تا این مجموعه پلیسی شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی تا سال 2007 به پخش خود ادامه دهد. قصه مجموعه مثل بقیه کارهای پلیسی تلویزیونی يك افسر کنجکاو و وظیفه‌شناس بریتانیایی را در راس ماجراهای خود دارد که مامور تحقیق پیرامون پرونده‌های جنایی است که کمتر کسی می‌تواند آنها را حل کند.

این پرونده‌های سخت و پیچیده لایه‌ای از رمز و راز را در خود دارند و فقط افسر باهوشی مثل تامس لینلی می‌تواند حل آنها را به عهده بگیرد. این مامور خوشفکر يك همکار دائمی به نام باربارا هیورز دارد که اگر چه به اندازه او باهوش نیست (و نمی‌تواند قطعات مختلف و حل‌نشده جدول و معما را در کنار هم بچیند) ولی پا به پای لینلی حرکت و کار می‌کند.

نقش لینلی را در 23 اپیزود مجموعه ناتانیل پارکر بازی کرده و شارون اسمال هم در این اپیزودها در کنار وی باربارا هیورز قصه مجموعه بوده است. بجز این دو که در تمام فصل‌های مجموعه در عرض 6 سال پخش آن حضور داشته‌اند، تعدادی بازیگر تلویزیونی انگلستان در قسمت‌های مجموعه در نقش‌های مکمل آن بازی کرده‌اند.

کارآگاه لینلی هم مانند بسیاری از مجموعه‌های پلیسی پر رمز و راز تلویزیونی، قصه خود را از يك داستان پرخواننده و معروف به همین نام گرفته است. این داستان را الیزابت جورج نوشته و در طول 20 سال گذشته بیش از 20 جلد آن منتشر شده است.

هر جلد این کتاب يك قصه و ماجرای تازه دارد و شخصیت تامس لینلی را درگیر يك ماجراجویی تازه می‌کند. الیزابت جورج همکار اصلی سازندگان مجموعه در کار نگارش فیلمنامه آن بوده است و 7 فیلمنامه‌نویس تلویزیونی در کار نوشتن اپیزودهای مجموعه با وی همکاری کرده‌اند. از این نویسندگان 60 ساله آمریکایی تا به حال فقط قصه همین مجموعه تبدیل به يك کار تلویزیونی شده است. تهیه‌کنندگان مجموعه امر کارگردانی 32 اپیزود آن را به دست 4 کارگردان تلویزیونی سپردند که ریچارد لاکسون مهم‌ترین آنهاست. وی با ساخت بیش از 10 اپیزود مجموعه، بیشترین همکاری را با این پروژه داشت.

وی یکی از کارگردانان باسابقه تلویزیونی است که از سال 1992 تاکنون با بیش از 25 مجموعه تلویزیونی همکاری داشته و آخرین کار وی در این رسانه با نام «#171;آنها» در سال 2011 روی آنتن رفت.

لاکسون که سال 2009 اولین فیلم سینمایی خود «یک انگلیسی در نیویورک» را ساخت (فیلمی با بازی جان هارت که نمایش موفقیت آمیز مالی در آمریکا نداشت) در حال حاضر مشغول آماده کردن دومین فیلم سینمایی خود «ایفی» برای اکران عمومی است. او این فیلم را براساس فیلمنامه اما تامپسون بازیگر سرشناس انگلیسی ساخته و تامپسون و داکوتا فنینگ بازیگران اصلی آن هستند.

پدر کارگر، پسر مرفه

منتقدان تلویزیونی از تنش بالای موجود در قصه مجموعه به عنوان یکی از جنبه‌های بسیار مثبت آن اسم می‌برند. در تنش موجود در قصه فیلم، مسائلی مثل اختلافات طبقاتی، تفاوت‌های بین آدم‌ها و مشکلات موجود در جامعه انگلیس به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. نکته جالب تفاوت اجتماعی و طبقاتی 2 شخصیت محوری است که باید در کنار هم به حل مشکلات جنایی بپردازند. در حالی که هیورز پس‌زمینه‌ای کارگری دارد و پدرش جزو طبقه کارگر است، ولی لینلی پس‌زمینه مرفه دارد. همین اختلاف باعث بروز تنش‌های جالبی بین این دو در طول ماجراهای قصه مجموعه می‌شود.

سازندگان کارآگاه لینلی قصه اکثر اپیزودهای مجموعه را از داستان‌های الیزابت جورج گرفتند، ولی چند اپیزود فیلمنامه‌ای مستقل و غیراقتباسی دارد که با الهام‌گیری از شخصیت‌های داستان این نویسنده نوشته شده‌اند.

یکی از تفاوت‌های موجود در این مجموعه با بقیه کارهای تلویزیونی در زمان طولانی و بالای هر اپیزود است. هر اپیزود مجموعه تقریباً 90 دقیقه طول می‌کشد که معادل یک فیلم بلند سینمایی است. به همین خاطر، بعضی از کشورهای جهان هنگام پخش مجموعه، هر قسمت آن را تبدیل به 2 قسمت 45 دقیقه‌ای کردند. به این ترتیب کارآگاه لینلی در این کشورها به صورت مجموعه‌ای 64 قسمتی درآمد.

نکته: منتقدان تلویزیونی از تنش بالای موجود در قصه مجموعه به عنوان یکی از جنبه‌های مثبت آن اسم می‌برند. در قصه فیلم مسائلی مثل اختلافات طبقاتی و مشکلات موجود در جامعه انگلیس بررسی می‌شود به گفته ریچارد لاکسون، کارگردان اصلی مجموعه «تماشاگران انگلیسی دوست ندارند یک قصه کامل و واحد را در 2 قسمت ببینند. آنها می‌خواهند از لحظه‌ای که قصه مجموعه شروع می‌شود و تا زمانی که به پایان می‌رسد، حرف ناگفته‌ای باقی نماند. قصه‌های الیزابت جورج داستان‌هایی بلند بودند که در صورت کوتاه‌شدن برای یک مجموعه تلویزیونی، آن ارزش و اعتبار خاص خود را از دست می‌دادند. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم زمان هر اپیزود را افزایش دهیم و نگران این موضوع هم نبودیم.

باور ما این بود که در صورت جذاب‌بودن قصه و حال و هوای مجموعه، دیگر کسی متوجه طولانی‌بودن زمان آن نخواهد شد. همین اتفاق هم در عمل افتاد و کسی نسبت به زمان بالای اپیزودها اعتراضی نکرد. هنگام کار روی مجموعه، می‌خواستیم تماشاچی را به یاد شخصیت‌های کلاسیکی مثل هلمز و پوآرو بیندازیم. انگار که این شخصیت‌ها از آن حال و هوای کلاسیک و قدیمی خود، راهی یک موقعیت امروزی شده‌اند. این بازی با زمان و مکان برایم جذابیت خاصی داشت و می‌خواستیم آن را به بهترین شکل به تصویر بکشیم.»

فرق درست و غلط

بسیاری از منتقدان تلویزیونی عقیده دارند کارآگاه لینلی مجموعه‌ای شخصیت‌محور است که بار اصلی ماجراها و اتفاقات آن بر دوش تامس لینلی و بازیگر آن ناتانیل پارکر است. او در همان اولین اپیزود مجموعه به شکلی کامل معرفی می‌شود و تماشاچی می‌فهمد با وجود ظاهر امروزی‌اش، معتقد به ارزش‌های قدیمی است. پارکر که این شخصیت را خیلی دوست دارد و بازی در مجموعه کارآگاه لینلی را یکی از نقاط بسیار مثبت کارنامه هنری‌اش می‌داند، درباره این شخصیت می‌گوید: «لینلی بسیار نجیب، صادق و اخلاقی است و به صورت آدمی دیده می‌شود که تلاش زیادی می‌کند تا وقار خود را به نمایش بگذارد. آدم‌های دور و بر ممکن است دیدگاه‌های متفاوت و حتی متناقضی درباره‌اش داشته باشند، اما در همان حال، در بین آنها نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که او را دوست نداشته باشد یا از وی متنفر باشد. خود لینلی هیچ وقت نمی‌گوید همیشه حق با اوست و در همه حال درست می‌گوید. با وجود این، روی این نکته تاکید دارد که فرق بین درست و غلط را می‌داند و مرز بین این دو را رعایت می‌کند.»

یکی از مسائلی که باعث می‌شد شخصیت لینلی مورد توجه و محبت تماشاگران قرار گیرد این است که به حرف آدم‌های دور و بر خود گوش می‌دهد و سعی می‌کند آنها را بفهمد.

همین نکته است که باعث می‌شود تمام آدم‌ها و قشرهای مختلف جامعه بخوانند با وی صحبت کنند. پارکرمی‌گوید: «لینلی و همکارش در طول حل معماهای پیش رو از همین آدم‌هایی که در محیط پیرامونشان هستند، استفاده می‌کنند. خیلی وقت‌ها به نظر می‌رسد او و همکارش مشکلات زیادی با یکدیگر دارند و ادامه همکاری دیگر برایشان ممکن نیست، اما این فقط ظاهر قضیه و سطح

روبي آن است.

در سطح زیرین قصه و روابط بین آدم‌های آن، چیزهایی وجود دارد که درک آنها خیلی هم ساده نیست. پس زمینه‌های متفاوت اجتماعی لینلی و همکارش به کمک قصه می‌آید تا ماجراها را شیرین‌تر و تماشایی‌تر کند. فراموش نکنیم که هم لینلی و هم هیورز تلاش دارند خود را درگیر موقعیت‌های سخت و خطرناک کنند و ماموریت‌های خود را به نحو احسن انجام دهند.»

برخلاف مجموعه‌های مشابه، کارآگاه لینلی چندان وارد زندگی خانوادگی و حریم خصوصی 2 شخصیت اصلی خود نمی‌شود. بجز یک اپیزود و اشاراتی گذرا در اپیزودهای دیگر، قصه مجموعه روی حوادث پررمز و رازی تاکید می‌کند که خط اصلی ماجراها را خلق کرده و به جلو می‌برند و 2 مامور پلیس مجموعه برای حل آنها وارد ماجرا می‌شوند. این مساله کمک می‌کند تا کارآگاه لینلی بیشتر به ماجراهایی بپردازد که در طول آنها، تماشایی هیجان زیادی برای کشف معمایی پایانی هر اپیزود دارد.

برای مجموعه‌ای که در 7 فصل قصد دارد بیش از 30 اپیزود را به نمایش بگذارد، فاصله‌گیری از زندگی خانوادگی دو شخصیت محوری قصه و تاکید روی حوادث و اتفاقات پلیسی، کار بسیار مشکلی است که سازندگان مجموعه توانسته‌اند به خوبی از عهده اجرای آن برآیند.

جذابیت به وسیله تنش

شارون اسمال پس از خواندن فیلمنامه مجموعه به این دلیل ایفای نقش باربارا هیورز را پذیرفت که به اعتقاد او آدمی متفاوت بود. او می‌گوید: #171; باربارا عضوی از طبقه ضعیف کارگر است، اما وی آدمی متفاوت از دیگران است و شخصیت ویژه‌ای دارد.

شما مشابه این شخصیت را در کمتر کار تلویزیونی دیده‌اید و همین مساله، او را ویژه و متمایز می‌کند. باربارا نه فقط با لینلی که با بقیه همکارانش هم مشکلات زیادی دارد و در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که آدمی ناسازگار است. در عین حال، تضادهایش با مدیران و روسا را فراموش نکنید. همین چیزهاست که از باربارا یک شخصیت جذاب می‌آفریند و باعث همراهی تماشایی با وی می‌شود.»

با وجود استقبال تماشاگران از مجموعه و فصل‌های مختلف آن، منتقدان تلویزیونی برخورد و دیدگاه یکسانی نسبت به آن ندارند و در این رابطه 2 گروه مختلف با 2 دیدگاه متفاوت را تشکیل می‌دهند. گروهی از آنها کارآگاه لینلی را یکی از مجموعه‌های بد پلیسی 2 دهه اخیر تلویزیون انگلستان می‌دانند که نتوانسته حق مطلب را در ارتباط با داستان‌های پرخواننده الیزابت ادا کند.

آنها عقیده دارند مجموعه سخت تلاش کرده از امتیاز محبوب بودن این نوول‌ها استفاده کند و با سوارشدن بر موج موفقیت آنها برای خود موفقیتی دروغین کسب کند.

به این ترتیب، فیلمنامه‌های مجموعه اقتباسی سرسری، دستی و بی‌ذوق از قصه‌های الیزابت جورج هستند و هنگام برگردان تصویری آنها هیچ تلاشی از سوی سازندگان کارآگاه لینلی برای هنری و جذاب‌ترکردن آنها صورت نگرفته است. در عین حال، تلاش سازندگان مجموعه برای دادن عمق بیشتر به برخی از قصه‌های نوول هم مورد پرسش این گروه از منتقدان قرار گرفته است، زیرا بنا بر دیدگاه آنها این قصه‌ها فاقد آن عمق بوده و سازندگان مجموعه نمی‌توانسته‌اند چیزی را به آنها (به صورت اجباری) اضافه کنند که فاقد آن هستند.

در کنار این گروه، منتقدانی هم هستند که از مجموعه دفاع می‌کنند. آنها ادعای کم‌تحركی مجموعه را رد می‌کنند و می‌گویند فضای قصه کاملاً رئالیستی نیست و دلیلی ندارد صرفاً به واقعیت‌ها اتکا کند.

تی‌وی‌گاید / مترجم: کیکاووس زیاری